

روایت برگزارکننده جایزه معماری آسیا از کم‌وکیف این رقابت معمارانه:

چه شد که جایزه معماری آسیا به قلب اروپا رفت؟

شرق: جایزه معماری آسیا در دومین سال خود تجربه‌ای متفاوت را از سر می‌گذراند: این جایزه آسیایی این‌بار قرار است در قلب اروپا و در شهر وین اتریش برگزار شود. از یک‌سو، می‌توان این اقدام را اقدامی در جهت معرفی بیشتر پتانسیل معماری ایران به جهان دانست، چراکه جایزه معماری آسیا به اعتراف احمد زهادی، سردبیر و مدیرمسئول مجله معماری و ساختمان و مجله بین‌المللی A2 و برگزارکننده جایزه معماری آسیا، مورد توجه معماران در همه دنیا و به‌ویژه در ایران قرار گرفته و از سسوی دیگر، این نگرانی وجود دارد که با رفتن جایزه‌ای آسیایی به اروپا، اصل اولیه این جایزه مورد تشکیک قرار گیرد. اما احمد زهادی در این گفت‌وگو نه‌فقط به بررسی ابعاد و تاریخچه این جایزه می‌پردازد، بلکه معتقد است رفتن جایزه معماری آسیا به اروپا، فرصت عرضه معماری آسیا به جهان را بیش ازپیش فراهم می‌کند. نکته‌ای که نباید آن را نادیده گرفت این است که این گفت‌وگو در خلال بررسی جایزه معماری آسیا، این فرصت را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد که بتوانند از دریچه برگزاری مسابقات و جایزه‌های معماری، فضای فعلی معماری ایران را بیشتروبیشتر بشناسند یا لااقل علاقه‌مند به این شناخت شوند.

جایزه‌های بین‌المللی معماری، فقط مواجهه ایران با معماری غرب را ترسیم نمی‌کنند، بلکه به‌نوعی معماری ایران را با دنیای خارج روبرو می‌کنند. از دریچه همین رویارویی و مواجهه، آیا می‌توان یک نقد سازنده نسبت به شرایط امروز معماری ایران بیرون کشید؛ اینکه ما در معماری کجا هستیم و جهان کجاست؟

پس یک موضوعی در این گفت‌وگو داریم، چون من هم می‌خواهم پیش از اینکه وارد موضوع مسابقات و جایزه‌های معماری شوم، در حد وسع خود از وضعیت معماری در داخل و خارج از کشور حرف بزنیم و ببینیم مسابقات و جایزه‌ها چه چشم‌اندازی را در اختیار ما قرار می‌دهند. واقعیت این است یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی که یک جایزه معماری با خود به همراه دارد، این است که در درآمدت و بسته به مقیاس پوشش آن، می‌تواند تبدیل به یک الگو شود. این الگو، می‌تواند حتی غیرملموس و زیرپوشی به وجود بیاید اما نمی‌توان موجودیت آن را نادیده گرفت، چراکه کاملاً حضورش مشهود است. مثلاً در ایران، جایزه معماری از دهه ۸۰ به این سو، یک جهت‌گیری را در فضای معماری کشور به دنبال داشته که تا امروز هم ادامه پیدا کرده است. ما در مقام ارزشیابی نیستیم که ببینیم آیا این جهت‌گیری مثبت بوده یا منفی، اما به‌رحال این در ذات جایزه‌های معماری است که دیدگاه‌های خود و دیدگاه‌های داورانی که آثار را برمی‌گزینند در طول زمان به بستر جامعه شیوع پیدا می‌کند. در هر جایزه یا مسابقه معماری، الفبایی وجود دارد که حتی داوری نیز براساس آن انتخاب می‌شوند و طبیعتاً فارغ از نگاهی که خود این داورها به مقوله معماری دارند، در جهت ارتقای رسالت معماری وارد عمل می‌شوند. در کنار این موارد اگر به‌دقت به ساختار یک مسابقه یا جایزه معماری نگاه کنیم، متوجه می‌شویم گاهی برگزارکنندگان چنین برنامه‌هایی، جایگاه مهمی دارند. بنابراین ساختار مسابقه باید به گونه‌ای باشد که بتواند اعتماد و یک رنگی را بین تیم برگزارکننده و جامعه‌ای که قرار است با این مسابقه مواجه شود، به وجود آورد. چنین ارتباطی بستگی به این دارد که برگزارکننده چه رفتاری نسبت به جامعه خود داشته باشد و چه عملکردی را در بدنه برعهده بگیرد. اگر کمی جلوتر برویم و ایده جایزه‌ها و مسابقات معماری را در سطحی بین‌المللی ببینیم، سطح این دیدگاه‌ها هم باید بالاتر رفته و فرامرز شود. یک جایزه بین‌المللی معماری وقتی که در قاره‌ای برگزار می‌شود، باید پارامترهای تخصصی فرهنگ آن محیط را هم بشناسد، اگرچه از آن محیط به لحاظ جغرافیایی دور باشد و شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، شیوه‌های ساخت‌وساز و موارد مرتبط دیگر اجباری است. مثلاً سنئول و تهران به لحاظ هویت فرهنگی، روندی مشابه را طی کرده‌اند، اما درنهایت تفاوت‌های اساسی با هم دارند. اشاره می‌کنم ایرانی‌بودن سازمان برگزارکننده جایزه و استقرار دفتر مرکزی آن در تهران به‌نوعی کار را برای شرکت‌کنندگان ایرانی تسهیل می‌کند، طبق برنامه‌ریزی دبیرخانه جایزه معماری آسیا، این جایزه هر سال در یک کشور برگزار می‌شود. به‌عنوان نمونه، سال گذشته این جایزه در استانبول برگزار شد؛ کشوری که تاریخی کاملاً آسیایی دارد اما در موقعیت جغرافیایی امروز، نیم‌نگاهی هم به کشورهای اروپایی پیدا کرده است. برگزاری این جایزه در استانبول باعث شد تأثیرات اجتماعی یک حرکت معمارانه را در یک کشور آسیایی ببینیم و بعد از آن، امسال تصمیم گرفته‌ایم به سمت اروپا برویم (برگزاری جایزه در هر دوره و در کشورهای مختلف، بستریایی برای کسب تجربیات جدید برای معماران ایجاد خواهد کرد).

اتفاقاً این هم موضوع مهمی است، چه شد که این جایزه آسیایی قرار است امسال در وین اروپایی برگزار شود؟

در تعاملی که با برگزارکننده جایزه معماری اروپا صورت گرفت، مقرر شد دبیرخانه دو جایزه امکان تبادل اطلاعات و همکاری در برخی زمینه‌ها را داشته باشند—چه در بخش جایزه معماری آسیا و چه در بخش جایزه معماری اروپا—اگر بخواهم ساده آن را توصیف کنم، قرار است گفت‌وگویی معمارانه میان آسیا و اروپا، در قلب اروپا صورت گیرد؛ بنابراین ما به‌عنوان برگزارکننده این جایزه، باید سرفصل‌ها و همچنین جهت‌گیری جایزه را این‌بار وسیع‌تر و در سطح دو قاره بررسی و طراحی کنیم تا یک هم‌بستگی تازه میان آسیا و اروپا از دریچه معماری به وجود آوریم. تاکنون هم در اجرای برنامه‌های مسدن جایزه موفق بوده‌ایم؛ ازجمله جلب همکاری دانشگاه هنرهای زیبای وین به‌عنوان همکار علمی، شرکت معماران گران‌قدر در سیات داوری، ازجمله خانم نسرین سراجی و (بهرام شیردل به‌عنوان سخنران در سال ۲۰۱۶) از ایران و تنی چند از استادان از سایر کشورهای آسیایی و اروپایی. شماره ویژه جایزه ۲۰۱۶ در زمستان سال ۲۰۱۷ منتشر



علی‌اکبر کوروشی

و اطلاعات مربوط به سخنرانی‌های خانم سراجی و آقای شیردل، گزارش داوری و طرح‌های رایافته به مرحله دوم و برندگان، منتشر می‌شود.

برگزاری چنین جایزه‌ای به لحاظ علمی چه جایگاه و دستاوردهایی دارد، اصولاً درباره جنبه علمی فعالیت‌های جایزه معماری آسیا، انتخاب معمار و محل برگزاری، هیأت داوران و ... دیدگاه دبیرخانه چگونه است؟

ابتدا در اینجا به دیدگاه‌های جایزه معماری آسیا اشاره می‌کنم: معماری آسیا در طول تاریخ تمایل به چندگونگی داشته است. تمدن‌های موجود در این قاره از ایران گرفته تا چین، از هند تا عثمانی به ایجاد یک نقشه معماری متفاوت، غنی و متنوع کمک کرده‌اند که حاصل آن به وجودآمدن فضاهای شهری بی مثال و بدیعی مانند استانبول، اصفهان، سمرقند، کلکته، پکن و توکیو بوده و اینها همگی عمیقاً معماری قاره‌های آمریکا، آفریقا و اروپا را تحت‌تأثیر خود قرار داده‌اند و این تأثیر آن‌چنان محسوس است که نمی‌توان دینی که معماری قاره‌های دیگر بر معماری آسیا دارند را نادیده گرفت. بنابراین این نقش تأثیرگذار در معماری و فرهنگ شرق در غرب شایستگی بررسی ویژه علمی را دارا خواهد بود. از طرف دیگر، مدرنیته در دو قرن گذشته (همان‌طوری که در تحولات معماری در غرب نیز مشهود است)، در مشرق‌زمین نیز مؤثر بوده و تغییرات فاحشی ایجاد کرده که در به‌وجودآوردن چهره شهرها مشهود است البته با نتایجی که عموماً رضایت‌بخش نیست، با وجود این، با توجه به وضعیت، رویه و گرایش امروزی، می‌توان چنین استنباط کرد فرهنگ (وابسته به) معماری به‌تازگی شروع به حرکت در مسیر فاصله‌گرفتن از مدرنیسم کرده و تلاش در فاصله‌گرفتن از مدرنیته و بازگشت به ارزش‌های پیشینیان دارد. همچنین معماری معاصر آسیایی (از سه دهه اخیر) شروع به ارائه پیشنهادات و راهکارهایی بر مبنای شرایط و احتیاجات جغرافیایی و فرهنگی خود کرده است. جایزه معماری آسیا بر آن است تا در جهت تحقق سازگاری اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی و درنهایت ایجاد معماری منطبق با نیازها و شرایط امروزی کشورهای آسیا با هدف پیروی از مدرنیته و حفظ ارزش‌های بنیادین تاریخی، رسالت خود را به انجام رساند.

جریانی مستقل از سازمان‌ها و نهادهای دولتی ایجاد کرده‌ایم و از افرادی دعوت به همکاری کرده‌ایم که هم بنیه علمی‌شان را می‌شناسیم و هم با آنها زندگی کرده‌ایم، من خوشحالم که از آغاز به کار این مجله، افرادی را به عرصه معماری معرفی کرده‌ایم که در دوره‌ای باعث افتخار همه ما بوده‌اند، اما امروز می‌بینم همان افراد هم درگیر مسائل خود شده‌اند و خوب است که ما جایگاه‌مان را به عنوان یک نظاره‌گر محفوظ بداریم

رفتن یک جایزه آسیایی به سمت اروپا می‌تواند دو تعریف داشته باشد: اول اینکه جایزه در حال توسعه پیداکردن است اما روی دیگر آن می‌تواند این‌طور به نظر بیاید که برگزاری این جایزه در آسیا، فقط یک دست‌کرمی یا دورمقاماتی بوده، نظر شما چیست؟

ما به چارچوب‌هایی که برای این جایزه تعریف کرده بودیم، بازگشتیم. چرا ما به صورت اولیه این جایزه را در قاره آسیا تعریف کرده بودیم؟ مجله ما که به زبان انگلیسی منتشر و در سطح بین‌المللی توزیع می‌شود، چه نیازی داشت این جایزه را فقط در آسیا تعریف کند؟ دلایلش این بود آسیا یکی از پهناورترین و قدیمی‌ترین قاره‌های دنیاست که چند تمدن مهم و جریان‌ساز ایجاد کرده. این قاره دارای خط فکری، گذشته و تاریخ مدونی در حوزه معماری است (سه هزار سال). پس این ویژگی‌ها و شرایط، اصالتی را فراهم کرد که می‌تواند خارج از مرزهای جغرافیایی‌اش حرکت کند اما درعین‌حال ذاتش را محفوظ بدارد. فرهنگ آسیایی، فقط در محل و جغرافیای آن تأثیرگذار نیست و همان‌طور که می‌دانید، به همه دنیا صادر شده است. در کنار اینها، می‌خواهم به یک مسئله دیگر هم اشاره کنم. یکی از شرایط اولیه این جایزه این بوده که محل فراگیری پروژه باید در قاره آسیا باشد، اما طرح و معمار پروژه می‌تواند از هر کشوری باشد. اتفاقاً در دوره قبل، این جایزه شاهد حضور معماران و طراحان غربی بود که یادآوری می‌کند در راه برگزاری این جایزه نباید خط قرمز کشید و افرادی را به‌دلیل غیرآسیایی‌بودن و مکان‌هایی را به‌دلیل بیرون‌بودن از قاره آسیا، از این جایزه کنار گذاشت.

اگر اجازه دهید به سؤال اول برگردیم؛ اگر قرار باشد یک جایزه فراتر از مرزهای جغرافیایی برود و درعین‌حال، ازجمله نامزد باشد، نباید نگران آسیب‌های ایران که در تاریخ این الگوهای وارداتی می‌بینیم؟

البته نقش ایران در این جایزه، مهم است. ما در این سال‌ها با افرادی که از

معماری

الگوهای موفق در معماری معاصر کشورهای مختلف برای ساخت پروژه‌هایی در داخل کشور استفاده می‌کنند، مواجه شدیم. من نمی‌خواهم از کلمه یا لفظ کپی استفاده کنم و صرفاً فکر می‌کنم این الگوها از طریق مجلات، تحقیق و بازدید یا حتی سایت‌های الکترونیکی در اختیار این معماران قرار گرفته، چراکه دنیای امروز، دنیای تبادل اطلاعات است. در این پروسه، ممکن است معمار با طراح، مطالعات خیلی گسترده‌ای در ارتباط با شرایط فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی محیطی که معماری آن را می‌خواهد به کشور خود بیاورد، نداشته باشد، چراکه اولویت اصلی این پروسه، صرفاً فرم و شکل فضایی ساختمان یا آثاری است که به وجود می‌آورند. این روند بعد از مدتی به یک خط فکری بدل شده و حالا دیگر خیلی برایشان فرقی ندارد اثر اصلی در چه اقلیمی، چه جغرافیا و چه فرهنگی ساخته شده که حالا قرار است آن را مثلاً در دامنه البرز ایجاد کنند. در چنین شرایطی کاری که یک جایزه معماری در سطح آسیا می‌تواند بکند، این است که از گسترده‌شدن این نوع فرم‌گرایی و آن هم کاملاً غربی جلوگیری کند؛ این گسترده‌شدن به معنای جایزه بین‌المللی معماری است در مقابل جایزه معماری آسیا. از ابتدا اصرار بر این بود که قصد ندارم در این جایزه فقط، مجله‌ای پروپیمان از انواع‌واقسام طرح‌ها چاپ و منتشر کنم، بلکه هدف جریان‌سازی در حد قاره آسیا بود با حفظ تأثیری که این جایزه قرار است روی حرفه معماری داشته باشد. می‌خواهم بگویم که این جایزه، معمارانی را می‌یابد که اولویت‌های اصلی‌شان هنوز دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی است.

پس اجازه دهید سؤال اصلی‌ام را شفاف بپرسم، آیا این احتمال وجود ندارد که جایزه معماری آسیا هم با کوچک‌ترین فرهنگی در انتخاب آثار برگزیده، موج اشتباهی را به فضای معماری کشور وارد کند؟

این جایزه دیدگاه و رسالت مدونسی دارد که طبق آن هیأت داوران دعوت می‌شوند و دیگر موارد مربوط به برگزاری جایزه انجام می‌شود و این جایزه تکلیفش لااقل با خودش معلوم است. ما جایگاه خودمان را داریم و در یک شرایط حرفه‌ای تعریف‌شده کار می‌کنیم تا جایی که سال گذشته ۶۱۳ شرکت‌کننده از ۲۱ کشور داشتیم و ۱۹۰ پروژه از ایران شرکت کرده‌اند و همین نشان می‌دهد معماران و حرفه‌مندان بارزتر درباره دیدگاه‌های جایزه مطالعه کرده‌اند.

چند دوره از این جایزه را برگزار کرده‌اید؟

امسال، دومین جایزه معماری آسیا در حال برگزاری است. **پس ما با جایزه‌ای مواجه هستیم که یک سال سابقه‌اش نشان داده بیشتر محل توجه معماران ایرانی است، از سوی دیگر برگزارکننده و حداقل یک داور ایرانی بوده‌اند، با این حساب فکر می‌کنید چنین جایزه‌ای چقدر به دنیا فرصت می‌دهد معماری امروز ایران را بشناسد؟**

زمان پایه‌گذاری این جایزه، زمان مناسبی بود، چراکه همه‌چیز دست‌به‌دست هم داده بود و کشور به لحاظ سیاسی در حال تغییر بود و می‌خواست با دنیا ارتباط بیشتری بگیرد. در چنین شرایطی یک جایزه آسیایی می‌تواند نقش معماری ایران را در دنیا پررنگ‌تر کند. فکر کنید جایزه برگزار، اسناد آن منتشر و به صورت گسترده توزیع می‌شود. چنین موضوعی روی نگاه به معماری ایران تأثیر خواهد گذاشت. اگر امروز موفقیت‌هایی را که معماری معاصر پاکستان به دست آورده به دقت زیر نظر بگیریم متوجه می‌شویم هیچ‌کدام ما انتظار نداشته‌ایم پاکستان در حوزه معماری به‌گونه‌ای پیشرفت کرده باشد که از طریق همین مسابقات و جایزه‌های معتبر معرفی شود.

همین کشایش سیاسی که به آن اشاره کردید، شما را به عنوان مسئول نشریه‌ای تأثیرگذار در حوزه معماری نگران نمی‌کند؟

اتفاقاً برعکس، می‌خواهم بگویم این نگرانی شما، یک موقعیت است و نه هراس! امروز ما در ایران، ابهاماتی داریم که افراد زیادی را به‌ویژه در حوزه معماری درگیر خود کرده است. یک مسابقه معماری از طریق برگزارکننده دولتی برگزار شده و یک شرکت مهندس مشاور با سابقه، به عنوان برنده انتخاب می‌شود و بعد معلوم نیست چرا و چطور حق اثر برگزیده نادیده گرفته شده و فرد دیگری جایگزین برنده شده و اثرش در اکسیو ساخته می‌شود. در چنین شرایطی، اگر هم نگرانی‌ای وجود داشته باشد، نگرانی از جریانات غیرشفاف است. من خوشحالم که ما جریانی مستقل از سازمان‌ها و نهادهای دولتی ایجاد کرده‌ایم و از افرادی دعوت به همکاری کرده‌ایم که هم بنیه علمی‌شان را می‌شناسیم و هم با آنها زندگی کرده‌ایم. من خوشحالم که از آغاز به کار این مجله، افرادی را به عرصه معماری معرفی کرده‌ایم که در دوره‌ای باعث افتخار همه ما بوده‌اند، اما امروز می‌بینم همان افراد هم درگیر مسائل خود شده‌اند و خوب است که ما جایگاه‌مان را به عنوان یک نظاره‌گر محفوظ بداریم. دوست ندارم وارد جزئیات شوم و حرفم را خلاصه می‌کنم؛ این نشریه به عنوان یک فصلنامه رسالتی دارد و آن هم پرداختن به اصالت معماری ایران به‌عنوان جزء مهمی در آسیا و انعکاس آن در جوامع جهانی است و سعی کرده‌ایم در همین چارچوب حرکت کنیم.

پس شما برگزاری چنین جایزه‌های معماری را راهی برای برون‌رفت از این حاشیه‌های‌ماند؟

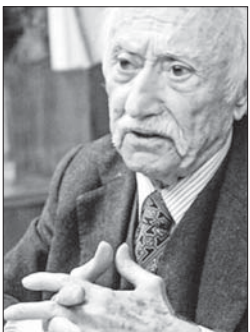
در این بحث می‌خواهم یک قدم فراتر بروم و بگویم ما در قالب این جایزه داریم تلاش می‌کنیم بتوانیم جامعه معماری را از حاشیه‌های حوزه داخلی به سطحی بین‌المللی متوجه کنیم که نه‌فقط بحث تعامل با دنیا را مد نظر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند موفقیت معماران ایرانی را در کشورهای دیگر هم معرفی کند، حتی در حوزه داخلی هم ما این فغتمات را ایجاد کرده‌ایم و برای معماری نگاهی فرامرزى داشته‌ایم و فکر می‌کنم این جایزه چنین کمکی به معماران خواهد کرد. **برای آخرین سؤال، روزی را پیش‌بینی می‌کنید که تهران میزبان جایزه معماری شود؟**

تهران یا اصفهان، حتما در سال‌های بعد.

در سوگ

۴ ساعت با نظام عامری

انلیار رهبر آزادی



نظام عامری، فرزند شیخ خزعل (از حاکمان جنوب ایران در زمان قاجار) بوده و متولد سال ۱۳۰۵ در تهران است. او پس از گذراندن تحصیلات پایه‌ای خود برای دریافت مدرک دیپلم به انگلستان رفته و پس از مدتی برای تحصیل در دانشگاه عازم آمریکا شد. ابتدا در رشته هنر در دانشگاه کنت (kent university)، ایالت اوهایو تحصیلات خود را آغاز کرد و بعد از مدتی به معماری علاقه‌مند شد و در این رشته ادامه تحصیل داد. نظام عامری در دوران دانشجویی شیفته آثار فرانک لوید رایت شد و عزم خود را برای پیوستن به مدرسه معماری رایت جِزَم کرد. او پس از پایان تحصیلاتش یکی از سه نفری شد که از میان هزاران نفر داوطلب مدرسه رایت موفق شده بودند وارد تالیسین شوند. او در دو سالی که نزد رایت بوده به‌سرعت ترقی کرده و مورد علاقه رایت قرار می‌گیرد تا جایی که رایت او را به‌عنوان همکار و نماینده خود در خاورمیانه معرفی می‌کند، از او در طراحی موزه گوگنهایم کمک می‌گیرد و تنها شاگردی است که برایش منزل شخصی طراحی می‌کند.

نظام عامری پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۲ دفتر خود را با همکاری کمال کمونه و هرمز دیار خسروی تأسیس می‌کند و سه پروژه مشترک کاخ شمس، ویلا شمس و کالج دماوند را با همکاری بنیاد دادگستری گیلان، ساختمان نفتی رایت در ایران به سرانجام می‌رساند و در طول مدت فعالیت خود بیش از ۹۰ پروژه در زمینه‌های مختلف همچون دانشگاه اصفهان، دانشگاه شیراز، سینما کاپری (بهمن-تهران)، پارک شهر، بیمارستان الزهرا (اصفهان)، بیمارستان پارس (تهران)، بیمارستان سینا (تهران)، کارخانه کوکاکولا (طرح مرحله یک و دو- اهواز)، دادگستری کرمانشاه، دادگستری گیلان، ساختمان نفتی (موزه پول تهران)، هتل اهواز، هتل خیام مشهد و بسیاری از پروژه‌های مسکونی و ویلا ... را طراحی و اجرا می‌کند. آشنایی من با نظام عامری به سه سال پیش بازمی‌گردد، زمانی که او در سالگی در سفری کوتاه به ایران بازگشت و بود آقای مهندس کمال کمونه، دوست و همکار قدیمی او، مرا در جریان این سفر قرار داد و قرار ملاقاتی برای انجام گفت‌وگو با وی تنظیم کرد. تا آن زمان (و حتی تا به امروز) صحبت زیادی راجع به او نشده بود و اطلاعات زیادی از وی در دسترس نبود. گفت‌وگوی اول من با نظام عامری حدود چهار ساعت طول کشید.

در این چهار ساعت من با زندگی پرفرازونشیب او آشنا شدم و از او بسیار آموختم. متوجه شدم او چگونه بسیاری داشته همچون استادش معماری را با طبیعت تلفیق کند، با نحوه آموزش معماری رایت آشنا شدم و به تفاوت آن با سایر مدارس معماری پی بردم. او همیشه بر اهمیت انسان و طبیعت در معماری تأکید می‌کرد و از این می‌گفت که مسیر پیشرفت در تکامل و اصلاحات است و انقلاب محکوم به شکست است. در این چهار ساعت متوجه شدم عامری بخشی از تاریخ معماری معاصر کشور ماست و شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌هایش، تاریخی است که بخشی از مسئولیت هر دانش‌آموخته‌ای است آن را مطالعه کند و از آن یاد بگیرد. و ای کاش این روزها که خبر درگذشتش دست‌به‌دست در رسانه‌ها می‌چرخد، بیشتر حواسمان به تاریخمان باشد!

ادامه از صفحه ۱۰

سینما به من زندگی کردن آموخت

البته من همیشه کیفیت بازی‌ام در این فیلم را یک معجزه می‌دانم. یا حتی بازی‌ام در «شیار ۱۴۳». واقعا نقش الفت را از لطف پروردگار می‌دانم. در تمام لحظات بازی نگاهم به آسمان بود و تمام مدت دعا می‌کردم به گونه‌ای ظاهر شوم که قلب مادران شهدا را با الفت همراه کنم. دعا می‌کردم الفت از مریدا زارعی فاصله بگیرد و بتواند در قلب‌ها وارد شود و همان تأثیری که من از فضای قصه و احوال شخصیت گرفتم به مخاطب منتقل شود. همه اینها که گفتیم انکار زحمات کارگردان و عوامل حرفه‌ای کار نیست، بلکه من به نیروی برگزرتی تکیه کرده بودم و پاشخش را هم گرفتم. گاهی اوقات خلوص و صداقت برای نمایش یک نقش جلوتر از تکنیک و فن می‌آیستد؛ یعنی همه چیز مقهور نیت و فکر شما می‌شود.

شما بازیگری هستید که همیشه نگاه نکته‌سنجی به احوالات جامعه دارید. در این مدتی که از روی‌کار آمدن دولت بازدهم و سازمان سینمایی جدید گذشته و اقدامات مثبتی نظیر بازشدن خانه سینما هم انجام شده، اوضاع را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ارزیابی اوضاع کار من نیست؛ چون نه متخصص هستم نه کارشناس. از منظر یک عضو کوچک به این اوضاع نگاه می‌کنم. احساسم این است که فرهنگ و خانواده سینما خیلی در اولویت نیستند. مسئولان فرهنگی برخلاف میل باطنی‌شان در عمل چشم‌انداز مثبتی را ترسیم نکردند. موضوع بی‌کاری در سینما بسیار جدی شده است. روزی نیست که همکاران با من تماس نگیرند و از این وضعیت شکوه نداشته باشند. غیر از بحرانی روحی که به دلیل دوری از فضای کار گریان سینماگران را گرفته، مشکلات مالی پیداد می‌کند. دیگر حتی چیزی برای فروش نمانده است. بازیگران سینمای ایران در اوج بی‌کاری و بی‌پولی هستند. شغلی که عمر و جوانی‌شان را برایشان خرج کردند و مو سسید کردند و تنها تخصص آنهاست، دیگر برایشان کارایی ندارد. کسی حاضر نیست و نمی‌تواند این اقرار را تأمین کند.

دقیقا، همه صنوف، تازه گروه‌های ضعیف‌تر وضعیت بدتری را

متحمل شده‌اند، نداشتن امنیت شغلی متأسفانه به اوج خود رسیده است.

بعد از ۲۰ سال حضور در عرصه بازیگری دیگر چه سودایی برایتان ماند؟

همچنان علاقه‌مند و مشتاق بازی در یک نقش خوب و چالش‌برانگیزم. هر چند می‌دانم این آرزو ممکن است دیر به دیر محقق شود، ولی آرزویم همچنان بازی در یک نقش خوب و تأثیرگذار است. الحمدالله خاوندن تا اینجا به من لطف داشته و از راهی که آمدم راضی هستم. امیدوارم توفیق ماندن داشته باشم. ماندن در ذهن مخاطبم و در قلب مردم که به عشقشان لباس نقش‌های متفاوت را بر تن کردم.

نمی‌خواهید کارگردانی کنید؟

در فکر شستم. البته نه به این معنا که بازیگری برایم تمام شده،

اما این روزها فیلم «دختر» به کارگردانی رضا میرکریمی از شما روی پرده‌های سینماست، با توجه به اینکه شما برای بازی در این نقش کاندیدای سیمرغ هم شدید، این تجربه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که ابتدا گفت‌وگو عرض کردم، بعضی از انتخاب‌هایم به دلیل کارگردان اثر یا مضمون قصه پیشنهادی بوده؛ یعنی حتی اگر نقش چالشی برایم نداشته باشد باید بهترشدن اثر دواطلبانه و با تمام وجود حاضرشم. نمونه آن فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند»، خانم پوران درخشنده بود. مضمون جسورانه فیلم و حضور کارگردانی که دغدغه مسائل جامعه‌اش را دارد، من را مجاب به بازی در نقشی کرد که شاید از فراموشی ندارد و شاید خیلی از کارهای دیگر که ذکر آنها احتمالا از حوصله خواننده مطلب خارج است. فیلم «دختر» هم نمونه همان کارهاست. فیلمی به کارگردانی رضا میرکریمی با مضمونی جدی، با توجه به ارزش‌های خانواده و تفاوت نگاه بین نسل‌ها و چالش‌های پیش‌رو که می‌تواند گاهی اوقات به فاجعه ختم شود و همکاری چندباره با فرهاد اصلانی عزیز و گروهی کاملاً حرفه‌ای و کاربلد. قطعا حضور در این فیلم برایم تجربه مغتنمی بود. همکاری که پیش از این میسر نشده بود و حالا این فرصت دوباره من را بر آن داشت خود را کنار گروهی پرانگیزه و آرام محک بزنم. اینکه می‌گویم آرام به دلیل خصوصیات اخلاقی آقای میرکریمی بود. آرامش آقای میرکریمی و نحوه برخورد با موضوعات و سلیقه ایشان در بازیگری برایم کنجگایویرانگیز بود؛ اینکه چطور می‌توانم خودم را در چنین فضایی در قالب نقشی دیگر محک بزنم. اتفاق خیلی ساده و روان افتاد. از قبل بنا به دلایلی قصه را می‌دانستم، بعد از آشنای کارم در فیلم «بادبگارد» این همکاری به من پیشنهاد شد و من بعد از ارزیابی موقعیت نقش، پاسخ مثبت دادم که الحق تجربه ارزشمندی بود. بسیار آموختم و از این بابت خرسندم. امیدوارم تماشاگر با دیدن این فیلم به یاد داشته باشد که این نقش‌آفرینی بزند. به‌هرحال ما همه به اندازه خود ما بتواند با کار و نحوه روایت قصه ارتباط برقرار کند. کاندیداتوری من هم برای بازی در این نقش قطعا حاکی از نگاه مثبت داوران جشنواره به بازی من بود. اما اصل توفیق مربوط به زمان ایران است و اینکه تماشاگر مهر تایید بر این نقش‌آفرینی زدند. به‌هرحال ما همه تلاشمان را کردیم که مخاطب را به فکر واداریم. در ضمن، این روزها خبر کسب موفقیت فیلم در جشنواره فیلم مسکو و همچنین موفقیت فرهاد اصلانی و کسب جایزه بهترین بازیگر مرد، حسنگی را از تمان بیرون کرد. اینکه بتوانیم با یک اثر فرهنگی، خودمان و تفکرمان را در قالب یک فیلم جهانیان به نمایش بگذاریم، بسیار غرورآفرین است. می‌بایم به داشتن چنین کمالاتی. خدا رو شکر می‌توانیم که اسلال

از این لحاظ سال برپاری بوده. چندی قبل افتخارآفرینی هنرمندان در جشنواره کن و حال این فیلم نوید خوبی است برای سینما. مخصوصا بازیگران سینما که نشان دادند هیچ عاملی مانع از درخشیدن آنها نمی‌شود؛ اینکه سینما می‌تواند مرزها را درنوردد و چشم‌انداز تازه‌ای را از این مرز و بوم در نظر جهانیان ارائه کند.

و کلام آخر؟

سینما همچون زندگی به من آموخت چطور برای رسیدن به موفقیت باید از شکست‌ها و رنج‌ها درس عبرت گرفت و آنها را چراغ راه کرد. سینما به من صبر را آموخت و اینکه برای رسیدن باید صبور بود. سینما به من آموخت ما هم مثل همان چرخ فروشی هستیم که حاصل و دسترنج زندگی‌اش هر لحظه آب می‌شود؛ پس باید لحظات را قدر بداییم و از آن به بهترین شکل بهره ببریم. سینما به من نشان داد لحظه لحظه را (که از عمر سیری می‌کنی عمق نگاهت و جنس صدایت و حتی شکل ظاهری، نمی‌تواند مانعی باشد برای رسیدن به قلب‌های مردمی که برای آنها از زندگی طبیعی می‌گذری، بدون آنکه چشم‌انداز واضحی در مقابلت باشد. سینما به من زندگی‌کردن آموخت؛ اینکه باید زندگی کرد و این فرصت فقط برای رسیدن به خود واقعی و درنهایت منشأ هستی است. الهی که همه عاقبت به خیر شویم و بعد از مرگمان نعمان به نیکی یاد شود. الهی آمین.

کیوریتورهای داخلی ما را به میهمانی دعوت می‌کنند

پنج دقیقه وقت نگذاشته بودند تا با کیوریتور صحبت کنند، انکار خودشان هم تعهدی به کارشان و اینکه چرا باید این کار را انجام دهند، نداشتند. به‌همین‌دلیل درباره کیوریتورهای داخلی تجربه‌های خوشنایدی وجود نداشته است.

تجربه کار با کیوریتورهای خارجی چگونه است؟

وقتی آنها به شما مراجعه می‌کنند، متوجه می‌شود آثارتان را دیده‌اند و ایده‌شان را همراه با متنی خیلی منسجم مطرح می‌کنند که می‌فهمید چه می‌خواهند حتی به شما می‌گویند چه آثار قرار است در کنار کار شما نمایش داده شود و به شکل اجرایی با نقشه مشخص می‌کنند که اثر قرار است در کدام گالری نمایش داده شود. در مورد منابع مالی نمایشگاه نیز کلا شفاف هستند و دقیق توضیح می‌دهند منابع مالی از کجا تأمین می‌شود. کیوریتورهای خارجی تکلیف‌شان روشن است. می‌دانند چه می‌خواهند و این موضوع درباره کیوریتورهای دوسالانه‌ها و نمایشگاه‌های